اخبار

آخرین وضعیت پخش سری جدید «فیتیله‌ای‌ها»

تهیه‌کننده جدید برنامه «فیتیله» گفت: برای پخش سری جدید با شبکه به قطعیت رسیده‌ایم اما بچه‌های تیم چند کار تئاتر قول داده‌اند که باید آنها را تمام کنند و بعد از آن این پروژه انجام شود. به گزارش میزان، مهدی بصیری، تهیه‌کننده سری جدید برنامه «فیتیله» درباره آخرین وضعیت این برنامه گفت: برای پخش سری جدید «فیتیله» با شبکه به قطعیت رسیده‌ایم اما با توجه به اینکه برنامه‌ریزی‌های کاری دیگری داریم، ابتدا باید آنها را تمام کنیم و بعد از آن سراغ این پروژه بیاییم. علاوه بر این عموهای «فیتیله‌ای» درگیر چند کار تئاتری هستند که باید آنها را تمام کنند و بعد وارد مرحله تولید «فیتیله» شویم. زمان پخش سری جدید با شرایط فعلی هنوز مشخص نیست. گفتنی است، محمد مسلمی، کارگردان برنامه «فیتیله» درباره آخرین مراحل تولید این برنامه گفت: پیش تولید فصل جدید برنامه فیتیله بزودی آغاز می‌شود و قرار است این برنامه تلویزیونی ویژه کودکان در آینده نزدیک در روزهای پنجشنبه و جمعه روی آنتن شبکه ۲ سیما برود.

■■■

اجرای بزرگ‌ترین بازنمایی محیطی دفاع‌مقدس

بزرگ‌ترین بازنمایی محیطی دفاع‌مقدس با عنوان «مامن» در بوستان یاس فاطمی برگزار می‌شود. به گزارش تسنیم، بزرگ‌ترین نمایش میدانی و بازنمایی محیطی دفاع‌مقدس با عنوان «مامن» از دوشنبه اول آبان (امروز) لغایت جمعه پنجم آبان ۹۶ در بوستان یاس فاطمی واقع در بزرگراه شهید بابایی، بعد از بزرگراه شهید باقری برگزار می‌شود. این نمایش اثری از بنیاد فرهنگی و هنری روایت فتح و با مشارکت ارتش جمهوری اسلامی ایران و شهرداری منطقه ۴ تهران است که گروه فرهنگی- هنری برتینا آن را اجرا خواهد کرد. ویژه‌برنامه مامن از ۱۸:۳۰ تا ۲۲ اجرا خواهد شد و شرکت برای عموم نیز آزاد است.

■■■

نویسنده «تن‌تن و سندباد» سراغ سریالی کودکانه رفت

نویسنده کتاب «حکایت‌های کمال» درباره فیلمنامه‌ای که از روی کتابش در حال نگارش است اینگونه توضیح داد که این سریال در ۱۵۰ قسمت ساخته می‌شود. به گزارش مهر، محمد میرکیانی، نویسنده کتاب «تن تن و سندباد» درباره قصه‌های کتاب «حکایت‌های کمال» که قرار است به سریال تبدیل شود، اظهار کرد: پیش‌تولید این سریال شروع شده و مجموعه «حکایت‌های کمال» قرار است در ۱۵۰ قسمت ساخته شود که البته ابتدا در ۳۰ قسمت تولید می‌شود و ادامه آن بستگی به موافقت مدیران ارشد سازمان و توفیق سریال در مخاطب‌پذیری دارد. تولید این سریال به صورت اپیزودیک در شبکه کودک انجام می‌شود که در این میان مرکز سیمافیلم نقشی موثر، سازنده و حیاتی دارد و در هر قسمت یک داستان کامل داریم البته ممکن است بعضی اپیزودها هم چند قسمتی باشد. میرکیانی با اشاره به فضای داستان‌های خود گفت: قصه‌های کتاب مربوط به دهه ۴۰ تهران قدیم است که فضایی شاد و طنز دارد و نوعی مردم‌شناسی و سبک زندگی است. در این کتاب تحولات اجتماعی آن دوره مطرح می‌شود و قهرمان این قصه‌ها کمال یک نوجوان حدودا ۱۲ ساله است.

■■■

نمایش «مرز تنهایی» آوارگان میانمار در حوزه هنری

احسان باقری، مدیر خانه عکاسان ایران از برپایی نمایشگاه عکس «مرز تنهایی» که شامل عکس‌هایی از آوارگان میانمار است و توسط ۲ عکاس بنگلادشی ثبت شده در گالری شماره یک حوزه هنری خبر داد. به گزارش مهر، خانه عکاسان ایران نمایشگاه «مرز تنهایی» را که شامل عکس‌هایی از آوارگان میانمار در مرز بنگلادش است از روز دوشنبه اول آبان‌ماه در گالری شماره یک خانه عکاسان ایران برپا می‌کند. احسان باقری، مدیر خانه عکاسان ایران درباره این نمایشگاه گفت: عکس‌هایی که در نمایشگاه «مرز تنهایی» روی دیوار خواهد رفت عکس‌هایی است که از ورود آوارگان میانمار در مرز بنگلادش گرفته شده است. برخی عکس‌ها نیز مربوط به استقرار آنها در فضاهایی است که برایشان تدارک دیده شده است. در این نمایشگاه آثاری از ۲ عکاس بنگلادشی روی دیوار می‌رود که همگی عکس‌ها سیاه و سفید است.

گزارش «وطن امروز» از جریان‌شناسی سینمای کودک در ایران به بهانه موفقیت فیلم «قهرمانان کوچک»

سینمای غریب!

محسن شهمیرزادی: «باغبان در حال آبپاشی باغ است که کودک روی شلنگ می‌ایستد و جریان آب را قطع می‌کند. مرد بینوا چشم را در درون شلنگ می‌اندازد تا مگر در جست‌وجوی آب قطع شده باشد. کودک پا را از شلنگ برداشته و آب در چشمان باغبان فوران می‌کند...» این داستان فیلم «خیس کردن باغبان»، نخستین فیلم سینمایی جهان در ژانر کودک است که از قضا جزو نخستین فیلم‌های سینمای داستانی جهان بوده و برادران لومیر آن را کارگردانی کرده‌اند. سینمای کودک در غرب همواره بر این نکته واقف بوده که فیلم سینمایی بیش از تمام مخاطبانش بر کودکان اثر گذاشته و حتی ژانر کودک آن نیز خانواده‌ها را با خود همراه می‌کند و به همین دلیل همواره سیری رو به رشد داشته است. علاوه بر فیلم برادران لومیر، «پسربچه» چارلی چاپلین نیز در ابتدای قرن ۲۰ از جمله نخستین فیلم‌های برجسته در سینمای کودک محسوب می‌شود اما اگر امروز بخواهیم تعداد فیلم‌های تولید شده از سینمای کودک را نام ببریم بی‌شک به واسطه تعدد این آثار برخی از آنها از قلم خواهد افتاد ولی می‌توان نگاهی به فهرست پرفروش‌ترین فیلم‌ها و انیمیشن‌های جهان کرد که بی‌شک عمده آنها در ژانر کودک تولید شده‌اند.

به گزارش «وطن امروز»، سینمای کودک اگرچه قدمتی به اندازه هنر سینما در ایران و جهان دارد اما هیچ‌گاه فراز و نشیب‌های این ژانر سینمایی پایان نداشته و در هر دوره‌ای بالاخص در کشور ما فراز و فرودهای بسیاری را تجربه کرده است. اوج سینمای کودک در ایران در دهه ۶۰ و ۷۰ بود که در آن دوره آثار ارزشمندی نظیر «باشو غریبه کوچک»، «بچه‌های آسمان»، «کلاه قرمزی و پسرخاله»، «شهر موش‌ها»، «بدوک»، «قصه‌های مجید» و «خواهران غریب» تولید شد اما بتدریج سینمای کودک با افول شدیدی مواجه شد تا اینکه در این روزها حضور فیلمی مانند «قهرمانان کوچک» بر پرده سینما با فروش نسبتا مناسب و در رقابت با فیلم‌های اجتماعی پرسلبریتی، بار دیگر امیدواری را برای سینمای سالم خانوادگی رقم زده است. به همین بهانه نگاهی خواهیم داشت به فراز و فرودهای جریان سینمای کودک در ایران.

■ **طلیعه کم‌فروغ سینمای کودک در پیشاانقلاب**

پیشینه سینمای کودک در ایران چندان غنی نبوده و می‌توان ردپای این ژانر را در فیلم «کینه» پرویز خطیبی در سال ۱۳۳۳ یافت، البته در این فیلم یکی از نقش‌های اصلی فیلم به کودکی خردسال سپرده شده و به همین جهت بسیاری معتقدند فیلم ناموفق کینه را که تنها ۴ روز روی پرده سینماها دوام آورد نمی‌توان در ژانر فیلم کودک ثبت کرد اما «بیم و امید» ساخته شده در سال ۱۳۳۹ را می‌توان به عنوان نخستین فیلم تاریخ سینمای کودک ایران نامید. شخصیت محوری این فیلم کودکی خردسال است که در غیاب مادری که از خانه قهر کرده، جهت تهیه داروی حیاتی برای پدر بیمارش، از خانه بیرون می‌آید و به داروخانه‌ای می‌رود که از خانه‌اش بسیار دور است. دکتر داروساز به اشتباه دارویی سمی را به دخترک می‌دهد و زمانی متوجه اشتباه خود می‌شود که دخترک از داروخانه دور شده است. دکتر برای یافتن دختر و جلوگیری از مصرف دارو تلاش می‌کند و از آن سو دخترک در راه بازگشت به خانه‌اش، مسیر خود را گم می‌کند. بالاخره در آخرین دقایق تلاش‌ها به سرانجام می‌رسد و پدر دختر از مرگ نجات می‌یابد. اگر چه سینمای کودک در ایران به قوت چندانی دست پیدا نکرده بود اما نخستین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان در تاریخ ۱۸ آبان ۱۳۴۵ به میزبانی ایران برگزار شد. در این جشنواره ۱۱۱ فیلم از ۲۵ کشور به نمایش درآمد و در پایان ۱۷ جایزه به فیلم‌هایی از کشورهای لهستان، هلند، ایتالیا، بلغارستان، اسرائیل، آلمان، شوروی، کانادا، رومانی، آمریکا و چین تعلق گرفت و نامی از ایران در میان برندگان برده نشد. از جمله مهم‌ترین فیلم‌های ژانر کودک در سال‌های پایانی سینمای قبل از انقلاب می‌توان به «سازدهنی» ساخته امیر نادری، «شهر قصه» ساخته منوچهر انور، «یک اتفاق ساده» ساخته سهراب شهیدثالث و «مسافر» ساخته عباس کیارستمی اشاره کرد. همچنین تاسیس کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در دهه ۴۰ نیز از روزنه‌های امیدی محسوب می‌شد که بیانگر اهمیت یافتن نقش کودک در جامعه و نسل آینده بود.

■ **کانون و اوج سینمای کودک**

بعد از انقلاب اسلامی مسائل بسیاری پیرامون سینما و رابطه‌اش با انقلاب و اسلام به وجود آمد تا آنکه حضرت امام خمینی(ره) پس از بازگشت به کشور با بیان اینکه «ما با سینما مخالف نیستیم، با فحشا مخالفیم» خط قرمز سینمای پساانقلاب را مشخص کردند. سینمای کودک پس از انقلاب حول محور «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» شکل گرفت و گسترش یافت. این کانون پس از انقلاب با حمایت و تولید آثار درخشانی تا دهه ۸۰ توانست تحولی عظیم به سینمای کودک داده و اثرگذاری شگرفی در سینمای ایران ایجاد کند. به هرترتیب با آغاز دهه ۶۰ سینمای کودک توانست با هویت‌بخشی به خود رونق چشمگیری به این ژانر داده و تحولی بزرگ در سینمای ایران را رقم زند به گونه‌ای که سینمای کودک به عنوان عنصری جدی و البته پرمخاطب و پولساز در سینمای ایران شناخته شد. این رشد در ابتدا آنچنان مشهود نبود، با این وجود در اولین دوره جشنواره فجر بخشی مجزا به سینمای کودک اختصاص پیدا کرد که تنها یک فیلم «ابراهیم در گلستان» اثر ایرج امامی در آن نامزد شد؛ فیلمی که تنها یک روز روی پرده ماند و با فروش کمتر از هزار تومان پرونده خود را بست اما سینمای کودک در آینده نه‌چندان دور خود توانست موفقیت‌های بسیار چشمگیری را رقم بزند. در میانه دهه ۶۰ فیلم‌هایی نظیر «شهر موش‌ها» اثر مرضیه برومند، «باشو غریبه کوچک» اثر بهرام بیضایی، «خانه دوست کجاست» اثر عباس کیارستمی، «پرنده کوچک خوشبختی» اثر پوران درخشنده و... خلق شدند. این فیلم‌ها و آثار مشابه آن در سومین، چهارمین و پنجمین جشنواره فیلم فجر توانستند جوایز بسیاری را نصیب خود کنند. هر چند دراین میان فیلمی مانند «دونده» امیر نادری با بی‌مهری منتقدان مواجه شد و حتی برخی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را برای تولید این فیلم، زیر سوال می‌برند اما اقبال خانواده‌ها به این فیلم و همچنین تمجید جشنواره فیلم ونیز از اثر امیر نادری باعث شد نظر منتقدان نسبت به این اثر در گذر زمان تغییر کند. با وجود همه موفقیت‌ها بسیاری سینمای کودک را مدیون حمایت‌های دولتی می‌دانستند و معتقد بودند این سینما سوددهی ندارد تا تهیه‌کنندگان خصوصی وارد آن شوند اما «گلنار» اثر کامپوزیا پرتوی، رونق چشمگیری را به گیشه‌ها هدیه داد و حیرت تهیه‌کنندگان خصوصی را برانگیخت. این فیلم در نمایش نخست خود ۱۶ میلیون تومان در سال ۱۳۶۸ فروش داشت.

■ **تنگ‌نظری‌های دهه شصتی**

البته در این دوران بسیاری از این فیلم‌ها با تنگ‌نظری مدیران سینمایی دهه ۶۰ مواجه شد و برخی از آنها بعدا مجوز پخش گرفتند و علاوه بر اقبال مخاطبان به آنها، این سوال در ذهن همگان پدید آمد که چرا این فیلم‌ها مجوز اکران نگرفتند؟ «حیاط پشتی مدرسه عدل آفاق» به کارگردانی داریوش مهرجویی نخستین فیلمی بود که کانون آن را در ژانر سینمای کودک تولید کرد اما به فیلم تا سال ۱۳۶۷ اجازه نمایش داده نشد و پس از آن، نسخه جرح و تعدیل شده‌ای از آن با نام «مدرسه‌ای که می‌رفتیم» اکران شد. همچنین «باشو، غریبه کوچک» اثر بهرام بیضایی که سال ۱۳۶۴ ساخته شده بود بر اساس نظر مدیران سینمایی وقت علیه صلاح مملکت تشخیص داده و پخش آن به بعد از قطعنامه موکول شد. اما به دلیل شرایط نامناسبی که در آن «باشو، غریبه کوچک» روی پرده می‌رود، این فیلم به توفیقی در گیشه دست نمی‌یابد، اگرچه بارها از تلویزیون ایران به نمایش در می‌آید و بدل به یکی از فیلم‌های محبوب و ماندگار سینمای ایران می‌شود. مجیدی نیز با فیلم سینمایی «بدوک» تجربه جدیدی از مواجهه با مدیران وقت را پیدا کرد. «بدوک» سوژه‌ای جسورانه را مورد پرداخت قرار داده و محرومیت‌های جنوب شرق کشور را به نمایش درآورده بود. این فیلم توسط رئیس دولت وقت (هاشمی‌رفسنجانی) به اتهام سیاهنمایی دچار مشکلات فراوان شد و تقریبا از پرده‌ها پایین کشیده شد. هاشمی‌رفسنجانی در واکنش به این فیلم گفته بود: «ما این همه سد و سیلو در کشور ساختیم، این همه آبادانی، چرا راجع به اینها فیلم نساختید؟» اما در مقابل رهبر انقلاب بعد از تماشای فیلم و انتقاد از مسؤولان بابت عدم بازنمایی این محرومیت‌ها دستور پیگیری مشکلات منطقه را داده و علاوه بر تجلیلی از فیلمسازان از آنها درخواست کرده بودند تا گزارش‌های تفصیلی از جانب خودشان را به ایشان تقدیم کنند.

■ **بازگشت به تقریباً هیچ!**

اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ کانون پرورش فکری از دوران اوج فیلمسازی خود فاصله گرفته بود و با تولید چند انیمیشن و فیلم کوتاه تلاش داشت با سرعت کمتری به سمت رکود حرکت کند. اما بنیاد فارابی که اوایل دهه ۶۰ تشکیل شده بود تلاش داشت با رونق دادن به سینمای کودک بتواند از پیوستن این ژانر به رکود کانون پرورش فکری جلوگیری کند. باید گفت دیگر نمی‌توان براحتی دوره‌ای را پویاتر و بانشاط‌تر از دهه ۶۰ برای سینمای کودک متصور شد. با این وجود در دهه ۷۰ نیز تلاش‌هایی برای حفظ رونق دهه ۶۰ صورت گرفت. آثار درخشان و ماندگار دهه ۷۰ اگرچه ماندگار شدند اما استثنایی بر قاعده سینما و تلویزیون ایران محسوب می‌شدند. در این دهه شاهد معدود آثار درخشانی نظیر «قصه‌های مجید»، «مریم و میتیل»، «الو الو من جوجوام»، «کلاه قرمزی و پسرخاله» و «خواهران غریب» بودیم؛ آثاری که در دهه ۸۰ انگشت‌شمار شدند و شاید پرفروش‌ترین آنها را بتوان «کلاه قرمزی و سروناز» دانست که آن هم از شهرت کلاه قرمزی و پسرخاله ارتزاق می‌کرد. در ابتدای دهه ۹۰ نیز «شهر موش‌ها ۲» را می‌توان جزو آثار پرفروش سینمای کودک دانست که آن هم به تبع کلاه قرمزی از شهرت دهه شصتی خود بهره گرفت. اما در چند سال اخیر سینمای کودک و اثر رسانه‌ها بر این قشر موجب شد تا دغدغه اهالی فرهنگ نسبت به رکود این جریان برانگیخته شود. تاسیس شبکه‌های کودک و نوجوان؛ پویا، نهال و امید که در طول زمان دچار تغییراتی شدند از جمله این دغدغه‌ها بود. دغدغه‌هایی که به سینما نیز کشیده شد و توانست «شاهزاده روم»و «بیست‌ویک روز بعد» را با اقبال مواجه کند. «قهرمانان کوچک» که هم‌اکنون روی پرده‌های سینماست نیز با استقبال مخاطبان مواجه شده و حتی تحسین وزیر ارشاد را نیز برانگیخته است. با این وجود نمی‌توان این استقبال‌ها را ذیل رونق سینمای کودک تعریف کرد، چرا که نه در جشنواره فجر و نه در نظرگاه مدیران فرهنگی دغدغه عملی حمایت از این ژانر دیده نمی‌شود. از معدود اتفاقات مبارک برای سینمای کودک در سطح کلان و سیاستگذاری راه‌اندازی جشنواره فیلم کودک است که بسیاری از کارگردان‌ها را ترغیب به حضور در این جشنواره می‌کند.

■ **همه ما مقصریم!**

اما در تبیین این مساله که چرا سینمای کودک در ۲ دهه اخیر دچار افول و رکود شدیدی شده است نقطه‌نظرهای بسیاری وجود دارد. سینماگران مطرح ایران در دهه ۶۰ بسیاری از فیلم‌های خود را در ژانر کودک می‌ساختند در حالی که در سال‌های پسین هیچ خبری از آنها نبود و این ژانر با فقدان کارگردان‌های برجسته مواجه شد. آنها به سمت ملودرام رفتند و مسائل اجتماعی و بعضا سیاسی را موضوع اصلی فیلم‌های خود کردند. از سوی دیگر تغییر مدیران و سیاست‌های مدیریتی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در کنار تعویض اولویت‌های کانون موجب شد این نهاد از فعالیت سینمایی خود بکاهد و به سمت تولید انیمیشن و ویدئوهای کوتاه قدم بردارد. پس از آن بود که سینمای کودک که وابسته به کانون محسوب می‌شد نیز رو به افول گرایید. منتقدان و بسیاری از اهالی فرهنگ و رسانه هیچگاه سینمای کودک را جدی تلقی نکرده و نگاه حرفه‌ای به آن نداشته‌اند. این دلیل موجب شد این قشر به رکود و از بین رفتن سینمای کودک واکنشی نداشته باشند به‌گونه‌ای که وجود یا عدم وجود آن غیرقابل اهمیت باشد. در رده مدیران فرهنگی نیز اهمیت به سینمای کودک در درجه چندم قرار دارد. به‌رغم اقدام مبارک جشنواره اول فجر در اختصاص یک بخش به فیلم‌های کودک، این اقدام در سال‌های بعد تکرار نشده و علاوه بر آن در جشنواره اخیر فجر تنها فیلم کودک و نوجوان جشنواره یعنی «بیست‌ویک روز بعد» در بدترین زمان ممکن یعنی روز آخر اکران شد. اما همه عوامل بالا شرط لازم برای رونق سینمای کودک است. سینماگران از درک و فهم نسل جدید عاجز آمده‌اند و به سختی امکان گفت‌وگو با کودکان با زبان خودشان را دارند. اینکه هم‌اکنون در هالیوود، پروفروش‌ترین‌ها به سینمای کودک تعلق یافته است، به حضور دانشمندان و اساتید دانشگاه و حلقه اندیشه‌ای پیرامون فیلم‌ها بازمی‌گردد که همه بار نویسندگی و کارگردانی را از دوش یک الی ۲ نفر برداشته و به یک تیم حرفه‌ای و متخصص واگذار می‌کنند، اتفاقی که در ایران هنوز به صورت ساختاری رخ نداده و عمده مصائب مبتلابه سینما عدم درک صحیح از وضع موجود است که آن را می‌توان ناشی از بحران اندیشه‌ای در سینما دانست.

■■■

درباره انتصاب اعضای جدید شورای پروانه نمایش

جمع تلویزیونی‌ها جمع شد!

سینما

با حکم سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، ترکیب شورای پروانه نمایش آثار سینمایی دستخوش تغییر شد. به گزارش «وطن امروز»، سیدعباس صالحی، وزیر ارشاد بنا به پیشنهاد محمدمهدی حیدریان رئیس سازمان امور سینمایی، در حکمی کمال تبریزی نویسنده و کارگردان سینما، محمدعلی حسین‌نژاد تهیه‌کننده سینما، حسین کرمی رئیس مرکز نمایشی سیما، حسن خجسته معاون سابق صدای سازمان صداوسیما و نایب‌رئیس اتحادیه رادیو تلویزیونی آسیا- اقیانوسیه، حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمهدی خاموشی رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، امیر خوراکیان رئیس سابق سازمان فرهنگی- هنری شهرداری تهران، محمد احسانی مدیر شبکه نسیم و معاون سابق نظارت و ارزشیابی سازمان امور سینمایی، شهاب اسفندیاری رئیس دانشگاه صداوسیما و مجید رضابالا فیلمنامه‌نویس را به عنوان اعضای جدید شورای پروانه نمایش آثار سینمایی منصوب کرد. نکته جالب درباره این ترکیب حضور پرتعداد مدیران تلویزیونی در شورای پروانه نمایش است. ترکیبی که به نظر می‌رسد با توجه به علاقه مدیران فعلی ارشاد به دوری از حواشی و البته شناخت کافی مدیران تلویزیونی از خطوط قرمز عرفی و فرهنگی جامعه، عملکرد مناسب‌تری داشته باشد و از ایجاد حواشی احتمالی در مسیر صدور پروانه نمایش آثار سینمایی جلوگیری کند.

ناصر فیض:

غزل همچنان می‌تواند حکومت کند

ادبیات

ناصر فیض در رونمایی از مجموعه اشعار علی اصغر شیری با عنوان «لب‌خوانی»، گفت: در روزگار کنونی عشق ذلیل شده و زیر پا افتاده است و مانند گذشته عشق دارای ارج نیست، او با یک معضل اجتماعی روبه‌روست اما طوری شعر گفته که خواننده این حس را ندارد شاعر می‌خواهد شعر اجتماعی بگوید و به تعبیری خود را به موضوع نچسبانده است. به گزارش فارس، ناصر فیض در مراسم رونمایی از مجموعه شعر «لب‌خوانی» با اشاره به تنوع اشعار این مجموعه، اظهار کرد: موضوعات روز، زبان روز و... در اشعار این کتاب در قالب کلاسیک حضور دارد و می‌بینیم که شاعر با غزل حرفش را زده است. از این رو به نظرم می‌رسد غزل همچنان می‌تواند حکومت کند و بر ادبیات امروز چیره باشد. وقتی حسین منزوی غزل گفت هیچ اسمی روی آن نگذاشت و تنها غزل سرود اما در روزگار کنونی خیلی‌ها می‌خواهند طوری نشان دهند که غزل تمام شده و پلکانی می‌نویسند و ادا در می‌آورند. در ادامه همچنین اسماعیل امینی شاعر و طنزپرداز کشورمان نیز در سخنانی گفت: مرحوم سیدحسن حسینی الگوی خوبی است برای آنهایی که می‌خواهند زیست شاعرانه داشته باشند، او هر راه را یک مرتبه رفته و خود را تکرار نکرده است. اشعار جوانان ابزار و ادوات شعر را دارد ولی جان و انگیزه ندارد. اشعار این کتاب غالبا با عینیت و زندگی ارتباط دارد که من این نوع شعر را ترجیح می‌دهم.

نقد

درباره فیلم سینمایی «مالاریا»

حرکت در سطح

یحیی اکبری: فاصله نسل دهه ۵۰ با دهه ۷۰ اگرچه ۲۰ سال است اما تغییرات در حوزه ارتباطات توانست بین این دو نسل فاصله‌ای طولانی بیندازد. دهه ۷۰ در بستر گسترش ارتباطات به وسیله اینترنت و به تبع آن بسترهای فضای مجازی و... اجتماعی شد و این بستر زیربنای فکری این نسل را در نگاه به جهان تحت تاثیر شدید خود قرار داد. مالاریا حکایت نسل دهه ۷۰ است که جهان خود را از دریچه گوشی همراه می‌شناسد و انگار قاب ۶ اینچی این وسیله ارتباطی بهتر می‌تواند حوادث روزمره را به این نسل نمایش دهد. جهانی که خلاصه شود در قاب‌های کوچک قطعا نمی‌تواند عمق زیادی داشته باشد و باید به سطح آن اکتفا کرد. نسلی که قرار گذاشته است دامنه ارتباطات و اطلاعات خود را از درگاه این قاب‌های کوچک گسترش دهد محکوم است به حرکت در سطح. شهبازی سعی می‌کند داستان مالاریا را به سبک و سیاق این نسل روایت کند بنابراین بسیاری از صحنه‌ها از گوشی همراه و فیلمی که با آن گرفته شده است نشان داده می‌شود. در دیگر صحنه‌ها نیز به فراخور صحنه‌های پخش شده از گوشی همراه، دوربین بسان نوجوانان، بازیگوش است و سر به هوا. بازیگوشی دوربین تا جایی است که در برخی صحنه‌ها همانند پایکوبی جشن برجام (که پخش آن در این روزها مفهوم بسیار خاصی دارد) مخاطب را آزار می‌دهد و فیلم را به سینمای تجربی نزدیک می‌کند. مالاریا روایت تازه‌ای نیست و به جز دوربین متفاوت که در بسیاری مواقع نقطه قوت فیلم محسوب می‌شود، ما شاهد پدیده‌ای تازه در درام و بازی و... نیستیم. حتی حضور آزاده نامداری اگر نگوییم موجب ضعف شده قطعا کمکی به مالاریا نکرده است. داستان جوانانی که همدیگر را دوست دارند و شور و عشق خود را قرار است با فرار و گشت و گذارهای عموما مخاطره‌انگیز نشان دهند. داستان از زمانی که حنا با جعبه بزرگ آذرخش می‌تواند از چنگ پدر و برادران بگریزد دیگر کششی دراماتیک ندارد و ما تا پایان فیلم شاهد قصه‌ای با اوج و فرود نیستیم. اوج مالاریا در یک سوم ابتدایی فیلم می‌گذرد و در ادامه فقط شاهد بدبیاری‌های متوالی قهرمانان فیلم هستیم. مالاریا خواسته یا ناخواسته سطحی بودن نسل امروز را به رخ مخاطب می‌کشد. جوانانی که فقط به دنبال خوشی هستند و کاری با سبب آن ندارند؛ می‌خواهد برجام باشد یا باخت ایران از آرژانتین. نسلی که زود اعتماد می‌کند بعد از اعتماد خود برافروخته می‌شود و زودتر از آن از این برافروخته شدن پشیمان می‌شود. نسلی که پوشش، نشان‌دهنده تفکر آن نیست. می‌توانی چادر سر کنی و با گروه موسیقی دوره‌گرد همراه شوی. آنچه از همه بیشتر مخاطب را آزار می‌دهد پایان نامفهوم فیلم است. پایانی که سراسر ابهام است و کانه ترتیب داده شده است تا حداقل در جایی فیلم به انتها برسد. چرا باید ۲ جوان چنین اقدام ابلهانه‌ای بکنند. آیا دخترک غرق شد؟ اگر غرق شد پس پسری که می‌خواست نقش قهرمان را ایفا کند کجا بود؟ در نهایت باید اذعان کرد شهبازی جز شکل روایت که آن را مدیون دوربین بازیگوش است در بیان مشکلات جوانان نسل جدید در سطح حرکت کرده است و نه قصه خوبی می‌گوید و نه مخاطب را امیدوار به آینده‌ای روشن به بیرون از سینما روانه می‌کند.

کتاب

«برکت» به کتابفروشی‌ها بازگشت

رمان «برکت» کاندیدای جایزه ادبی جلال آل‌احمد توسط نشر «کتابستان معرفت» برای چهارمین مرتبه تجدید چاپ شد. به گزارش فارس، رمان «برکت» اثر ابراهیم اکبری‌دیزگاه از سوی نشر کتابستان معرفت برای چهارمین مرتبه تجدید چاپ شد. رمان «برکت» داستان طلبه جوانی است که در ایام ماه مبارک رمضان، برای تبلیغ به روستایی به نام میان‌رودان می‌رود. از رفتار نامناسب مردم روستا و واکنش‌های یونس برکت نسبت به آنها، موقعیت و خرده‌موقعیت‌های متعدد داستانی‌ای خلق می‌شود که برای مخاطب جذاب و خواندنی است. در این کتاب خواننده با حالات درونی یک طلبه و اتفاقاتی که در زندگی شخصی او افتاده روبه‌رو می‌شود و تصویری واقع‌گرایانه‌تر از این قشر را به مشاهده می‌نشیند. این تصویر تا جایی پیش می‌رود که خواننده روحانیتی را می‌بیند که خود گاهی حواسش به خویش نیست و گاهی تلنگری که مردم به او می‌زنند سبب می‌شود به خودش بیاید.